

شرق

استراحت یکی از اعضای کادر درمانی بیمارستانی در هند، عکس: Danish Siddiqui-Reuters



دغدغه‌های یک جامعه‌شناس

آرزوهای پساکرونا

را به آنجا برسانند، با ساز و دهل به استقبال‌شان خواهند آمد و به‌زودی زندگی شاهانه‌ای در انتظار‌شان خواهد بود برای تحقق این خیال غیرواقع‌بینانه حاضر بودند تا آنجا پیش بروند که زندگی در شهر و خانه امن خودشان را رها کنند و میان مرز ترکیه و یونان در کنار مردمان بیچاره‌ای که از جنگ فرار کرده‌اند، گرفتار شوند، حالا وقتی می‌بینند زمانی که طبیعت خشم می‌گیرد، آن ملت‌ها هم مثل ما دچار مشکلاتی شبیه و از جنس مشکلات ما می‌شوند، تعدادشان کمتر خواهد شد.

نشستن دوباره طبیعت در جایگاه خود

در طول تاریخ زندگی موجودی با نام علمی هوموساپینس (ما انسان‌ها) بر زمین شان و منزلت طبیعت نزد انسان‌ها دگرگونی بسیار پذیرفته است. در آغاز طبیعت قاهر بود و اسان مقهور. با رشد و گسترش تمدن و مهارت‌یافتن تدریجی انسان در مهار نیروهای طبیعی رابطه‌ای متعادل میان انسان و طبیعت برقرار شد. ویژگی این رابطه پایداری بود؛ یعنی با چنان شتابی از منابع تجدیدپذیر بهره‌برداری می‌شد که طبیعت بتواند فرصت بازتولید آن را داشته باشد. در فاصله قرن پنجم پیش از میلاد تا آغاز قرن نوزدهم، مسئله انقراض گونه‌های حیوانی و گیاهی بر اثر مساعی انسان مطرح نشد. جنگل‌ها از میان نرفتند و میان بهره‌برداری از منابع آب و مصرف آن تعادل وجود داشت و از آن گذشته نوع و حجم مواد زائدی که اجتماعات بشری تولید می‌کردند، آن چنان نبود که زمین قادر به جذب و امحای آن نباشد؛ اما با انقلاب صنعتی اوضاع تغییر کرد. دستاوردهای تکنولوژیک یکایک پیدا شدند و با پیدایش هرکدام بهره‌برداری از زمین مانند مازک پدری انسان‌ها شروع شد و پیوسته شدت یافت. انقلاب صنعتی که فرا رسید، سرمایه‌داری قدرت و قوت گرفت و مصرف هرچه بیشتر برای تولید هرچه بیشتر و ایجاد بازارهای ابتدا ملی و سپس منطقه‌ای و جهانی با انگیزه به حداکثر رساندن سود، معنایی جز استثمار هرچه بیشتر طبیعت برای سود نداشت. این نوع بهره‌برداری بی‌رحمانه از طبیعت و دخالت دلخواه در آن فقط در چند کشور پیشرو سرمایه‌داری رواج نیافت. حکومت‌هایی که خود را غیر سرمایه‌داری می‌خواندند و کشورهای در حال توسعه و همین‌طور مردم از فقیر و غنی، همه‌وهمه در این دست عایدتی اند و از آن برج عاج هم پایین نمی‌آیند و جهان را ناامین می‌کنند و میان مردم جنگ و سستیز راه می‌اندازند، احتمالا حنای‌شان کمتر رنگ خواهد داشت. -از این‌پس آدم‌های شیفته کم‌عقلی که تصویری غلط و غیرواقع‌بینانه درباره بعضی کشورهای توسعه‌یافته‌تر اروپا و آمریکا داشتند و فکر می‌کردند که آنجا بهشت برین است و شهروندانش از جنس ملانکه هستند و اگر خود

چهارشنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۹
۲۳ ذی‌القعدة ۱۴۴۱
۱۵ جولای ۲۰۲۰
سال هفدهم
شماره ۳۷۶
۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰
اذان مغرب ۲۰:۴۱
اذان صبح فردا ۴:۱۸
طلوع آفتاب ۶:۰۱
fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

نور نوشت

آمار بیماران و افراد آلوده به ویروس کووید۱۹ هر روز افزایش می‌یابد و هر روز عزیزان بیشتری را از دست می‌دهیم. خانواده‌ها سوگوارند و بسیاری از مردم از گرفتارشدن به این ویروس هراس دارند؛ ولی چاره‌ای نمی‌دانند. تدروس آدهانوم، مدیرکل سازمان جهانی بهداشت می‌تازگی گفته است: «فعلا چشم‌اندازی برای بازگشت زندگی به حالت عادی وجود ندارد».

معنی این سخن این است که کرونا همه جا با ما هست و نمی‌شود به این زودی‌ها به روزهای خوب بدون کرونا امید داشت. به سخن دیگر زندگی با کرونا دارد हजार می‌شود و عادی. مبارزه با کرونا درگیری جهانی است و همه کشورها در تلاش هستند راهی برای مهار و درمان این ویروس پیدا کنند و زندگی را به شرایط امن بازگردانند. ما هم در این انتظار گروهی قرار داریم؛ ولی شرایط ما با دیگر کشورها ناهم‌اند است. ما در سردرگمی و فشار و تنش چندگانه گرفتاریم، درگیر تعلیق و پیش‌بینی ناپذیری اقتصادی هستیم، در چالش‌های دیپلماسی درگیر فشارهای قدرت‌های جهانی شده‌ایم و از همه مهم‌تر اینکه هر روز توان روزمره معیشتی مردم کاهش می‌یابد و دچار افت و سقوط‌های مالی ترسناک کسب‌وکارها و خانواده‌ها هستیم. بحران کرونا و بحران اقتصادی زندگی را برای بیشتر کسانی که در سطح متوسط و متوسط رو به پایین جامعه زندگی می‌کرده‌اند و امروز همه به‌راستی ناب‌خوردار ارزیابی می‌شوند، سخت‌تر کرده است. این سختی‌ها هم روان افراد جامعه و هم مدیریت جامعه را فرسوده کرده است.

زن و مردی که مسئولیت زندگی خانوادگی را برعهده دارند، هم نگران سلامت خانواده‌شان هستند و باید مراقبت کنند که آنها را از کرونا در امان نگه دارند و هم باید به این فکر کنند که می‌توانند به کارشان ادامه بدهند یا نه. بخش خصوصی هم آسیب‌های زیادی از وضع موجود دیده است. بنگاه‌های بزرگ و کوچک اقتصادی در این روزها که هم قیمت ارز سر به فلک

هفت‌نویشت

تعطیلی موقتی است روش‌های تازه بیازماییم

کشیده، هم کرونا آنها را با تعطیلی‌های ناخواسته روبه‌رو کرده است، به زحمت خودشان را سرپا نگه داشته‌اند. آنها هم زیان‌های مالی داشته‌اند و هم از تعدیل و تعلیق نیروهای‌شان آسیب روانی و حرفه‌ای دیده‌اند.

در این شرایط بحرانی، برخی هم هنوز باور دارند که باید شهرها تعطیل شوند تا کرونا ریشه‌کن شود. بیشتر شهرها روزها و هفته‌ها تعطیل بودند و آمار بیماران و فوت‌شدگان کمتر شد؛ اما تعطیلی نمی‌تواند چاره‌ای میان‌مدت باشد؛ به‌ویژه در جامعه بحران‌زده ما که با تعطیلی هر روز، زندگی شمار زیادی به چالش کشیده و بحرانی‌تر از قبل می‌شود. بهتر است نظر مدیرکل سازمان جهانی بهداشت را باور کنیم و بپذیریم که بازگشت به زندگی پیش از کرونا به این زودی‌ها شدنی نیست. در این شرایط چاره کار برداختن و یافتن راه و روش‌های تازه‌ای در زندگی متناسب با شرایط کرونا است. رعایت فاصله فیزیکی میان افراد، استفاده از پوشش (ماسک و شیلد و دستکش) و شست‌وشوی دست‌ها کم‌کم بین افراد جامعه نهادینه شده است. این نهادینه‌شدن زمان‌بر بود؛ ولی بالاخره اتفاق افتاد. این دگرگونی باید در چگونگی زندگی روزمره، کسب‌وکارها و آموزش و زندگی گروهی هم ایجاد شود. بسیاری از سیاست‌گذاران جهانی با ملی و بومی و مدیران هنوز خلاقانه با مسئله درگیر نشده‌اند و در پی راه‌های جایگزین میان‌مدت نیستند و چابکی بایسته را برای سامان‌دهی ایده‌های نو و روش‌ها و برنامه‌های مناسب هم نداشته‌اند.

باین‌همه آدمی در گذر تاریخ جایی توانسته از چالش‌های طبیعی یا خودساخته جان به در ببرد که راه و روشی نو یا بافت و محیط تازه را به کار گرفته باشد. کووید۱۹ اینجا درست نزدیک هریک از ما و در فضاها و روی سطوح‌ها و بافت‌های بدن دوستان و عزیزان ما هست و می‌چرخد. اگر کنش‌پذیر و درمانده بخواهیم پیش برویم، شمار بیشتری را به کام مرگ می‌کشد و زندگی‌مان را بیش از همیشه از کار می‌اندازد و امید و شادابی زندگی آدمی را ویران می‌کند. ما می‌توانیم و باید بایم؛ باید به جای نشست‌های کاری کشش، به جای आफشاری بر روندهای پساکرونایی دنیای گذشته کنون‌مند بر ایده‌های نو گروه بسازیم، گفت‌وگو کنیم و روش‌های تازه را بیازماییم.

روایت

فرصت شمار صحبت

فرزند۲زمانه

سالمندان از دو دوره عبور کرده‌اند. آن هنگام که والدین خود را تا آخرین لحظه عمر در بهترین جای خانه نشانده بودند و در جمع فرزندان و نوه‌ها و خویشاوندان به آخرین منزلگاه بدرقه کرده بودند، تا زمانه‌ای که چشم به آینده دارند و فرزندان در اولویت‌اند. آنان خدمتی به نسل قبل خود کرده‌اند و شبیه آن را از نسل بعد دریافت نکرده‌اند و شاید درک همین تفاوت در نظرشان از شتاب بی‌امان تغییر دنیا تقلیل‌تر و درناک‌تر باشد؛ شتابی که ضرابه‌نگ تندش فراتر از پردازش کند آنان است.

در گوشه رنگ

حال که همه درباره ارزیابی خطر کرونا، حتما سن را لحاظ می‌کنند و بیماری‌هایی را که سالمندان از آن بی‌نصیب نیستند، برمی‌شمرند و گاه کمی آسوده‌تر خطر کرونا را برای خود حساب‌و‌کتاب می‌کنند و این پیام آشکار از همه‌جا شنیده می‌شود، کوپی حرفانی قدر، در گوشه‌ای آنان را به دام انداخته‌اند؛ از دست‌رفتن ناگزیر جوانی و سلامت، تجربه داغ‌های بی‌دریی که بهای گران عمر طولانی است، از دست‌رفتن توانایی در زمانه‌ای پرشتاب، تغییر رویه زندگی و سقوط از شان امن و مالوف سالمندی نسل قبل به جایگاه ناامن و ناشای اکتون. حال بحران کرونا و انزوای تحمیل‌شده و بدتر از همه، پیوستن به گروه آتانی که فهرست بلندبالایی از خطرات در تاروپود وجود شکننده‌شان، در آن شهر و دیار بوده‌اند نه؟ افسوس که نه حتی از آن کوه‌ها نشانی نماند و نه آن خانه‌ها و باغچه‌ها و حوض‌ها و شمعندانی، انکار غولی همه را بلعیده و درگیر زندگی هستند با غول‌های متعددی دست به گریبان و اکنون که کرونا، ارتباط را دقغن کرده، با این منطق ظاهرا قانع‌کننده که: شما آسیب‌پذیرتر هستید و به نفع شماست که فاصله رعایت شود، دورتر از همیشه شده‌اند. حال انکار همه چیز آشنا و امن بلعیده می‌شود و دنیا رو به غریبگی و ناامنی می‌رود. آنان که روزی این زمین جای گستردن بساط زندگی‌شان بود و وجب به وجب از آن عقب رانده شدند، به رسم طبیعت و همان‌گونه که خود تازه‌نفس سر رسیدند، واگذاری همه‌الفت‌ها و آشنایی‌ها برای‌شان ناتوان‌کننده است.

گویي آن ماهی‌گیر که سر در آب فرو برده بود و چون سر برآورد، از دهکده‌اش هیچ نشانی ندید.
حساب‌و‌کتاب آخرین
سالمندی فرصتی است برای یک چالش بزرگ، دوراهه‌ای است که یا به سمت رضایت و کمال می‌رود یا افسوس و کسب‌خسگی. عمری رفته و هزاران تصمیم درست یا غلط، بی‌شمار تجربه تلخ یا شیرین و بسیار کامیابی یا ناکامی از سر گذشته، راه به پایان رسیده و چشم‌اندازی وسیع باقی نمانده، فقط پسرزیمه‌ای که حال باید در آن نظر کرد و به حساب‌و‌کتاب آورد، افسوس یا تایید؟ رضایت یا شکایت؟
به هم رسیدن.

حق‌بان

تلاطم نرخ طلا و حقوق زنان



ابراهیم ابویی
وکیل دادگستری

این روزها مرسوم شده موضوعات را بر پایه همه‌گیری ویروس کرونا تحلیل می‌کنند. ممکن است پس از فروکش‌کردن تب کرونا دنیا به وضع قبل برگردد؛ اما بعید است با کاهش شگفت‌انگیز ارزش پول ملی و افزایش پرشتاب نرخ طلا و سکه، حتی در صورت ایجاد ثبات نسبی، شرایط و مناسبات اقتصادی به گذشته بازگردد. یک سکه بهار آزادی که آبان ماه ۱۳۹۸ حدود چهار میلیون تومان قیمت داشت، امروز ۱۰ میلیون تومان را هم پشت سر گذاشته و یک گرم طلای ۱۸ عیار هم در مرز رسیدن به یک میلیون تومان است. جامعه زنان ایران که امکان ایجاد تغییرات بنیادین در نظام حقوقی را به دلیل پشتوانه سنت نیافت، کوشش کرد با ابزار مهریه موقعیت نابرابر خود در مناسبات خانواده را ترمیم کند؛ مهریه بالا وسیله‌ای شد تا نواقصی مانند فقدان حق طلاق برای زن را جبران کند، اما به‌اجرا گذاشتن مهریه و پرشدن بازداشتگاه‌ها از مردانی به گناه پرداخت‌نکردن مهریه، قانون‌گذار را بر آن داشت تا محدودیت‌هایی وضع کند. قدیمی‌ترین مقرره مربوط به مهریه، مواد ۱۰۷۸ تا ۱۱۰۱ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۳ است. ماده ۱۰۸۰ این قانون می‌گوید: «تعیین مقدار مهر منوط به تراضی طرفین است». پس از انقلاب اولین اصلاحات در احکام مهریه در سال ۱۳۷۶ با الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی رخ داد. براساس این چنانچه مهریه وجه رایج باشد، متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تأدیه در مقایسه با سال اجرای عقد که از طرف بانک مرکزی تعیین می‌شود، محاسبه و پرداخت خواهد شد. اصلاحی به نفع زنان و در جبران کاهش ارزش پول ملی، اما تغییر مهم‌تر تصویب قانون «حمایت خانواده» در اوایل دهه ۹۰ بود. در ماده ۱۲ این قانون آمده است: «هر گاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصدوده سکه تمام‌بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون [نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد، درخصوص مازاد فقط ملاتذت زوج ملاک پرداخت است…» به زبان ساده امکان بازداشت زوج به دلیل عدم پرداخت مهریه تنها تا یکصدوده عدد سکه میسر است و بیش از آن تنها در صورت داشتن مال (البته به جز مستثنیات دین) امکان توقیف خواهد داشت. در تنهای قانون حمایت خانواده، تاریخ تصویب اول اسفند ۱۳۹۱ ذکر شده؛ اما این زمان مربوط به رفع اشکالات شورای نگهبان بوده و تاریخ دقیق تصویب شانزدهم اسفند ۱۳۹۰ است. با رجوع به مشروح مذاکرات مجلس در این روز بهتر می‌توان به نیت تصویب‌کنندگان پی برد. در متن لایحه اولیه آمده بود که رئیس قوه قضائیه هر سه سال یک بار میزان مهریه متعارف را تعیین کند و تنها این میزان مهریه مشمول حمایت قانونی باشد. در مجلس بحث میان دو جریان شکل گرفت؛ عده‌ای که حامی تعیین ۱۱۰ عدد سکه به‌عنوان سقف و میزان قابل حمایت قضائی بودند و گروهی که تعیین همین میزان سکه را زیر غرض و موجب افزایش مهریه می‌دانستند؛ درنهایت ماده ۲۲ کنونی تصویب شد. جالب اینکه یکی از نمایندگان ۱۹ متقال طلا را به‌عنوان سقف پیشنهاد می‌دهد که بنا رخ امروز طلا کمتر از یک پنجم قیمت ۱۱۰ عدد سکه است؛ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در سال ۱۳۹۴ تغییر یافت. در ماده ۷ قانون جدید، جایی که مدیون در عوض دینی که برعهده دارد، مالی دریافت نکرده باشد، فرض بر عدم تمکن مالی اوست و طلبکار باید توانایی مالی او را اثبات کند؛ در غیراین صورت بازداشت نخواهد شد. به نظر می‌رسد هدف از تصویب این متن کمک به محکومان به پرداخت مهریه باشد؛ زیرا زوج مدیون به پرداخت مالی است که آن را هیچ‌گاه دریافت نکرده و سرانجام تیر خلاص «بخش‌نامه درخصوص محکومین تأدیه مهریه براساس تعداد سکه طلا» ۲۲ مهر ۱۳۹۷ رئیس قوه قضائیه که از دادگاه‌ها خواسته خارج از نوبت دادخواست‌های تعدیل اقساط مهریه زوج را بپذیرند تا از زندانی‌شدن آنها جلوگیری شود. مهریه متعارف که در قانون حمایت خانواده ۱۱۰ عدد سکه در نظر گرفته شده بود، بر مبنای نوسانات اخیر بالغ بر یک‌میلیارد و صد میلیون تومان برآورد می‌شود که نه خواست قانون‌گذار است، نه مطابق میل زوج، همچنین با قوانین و بخش‌نامه‌های کنونی از طرف زان هم امکان وصول ندارد. اکنون نیاز است با تجربه این چند دهه، قوانین حاکم بر مسائل زنان و مناسبات خانواده روم‌آزم شود، همان‌گونه که قانون مجازات اسلامی که روزگاری لایقِ تغییر به شمار می‌رفت، اصلاح شد.

توضیح

ضمن یپوزش از خوانندگان گرامی، روز گذشته در تیرت ستون «صاف و ساده»، به اشتباه نام ستون درج شده بود که سه‌و‌تفاهم‌هایی را به دنبال داشته است. تیرت یادداشت دیروز قادر باستانی، «هم‌گناه» بود و عبارت صاف و ساده، صرفا عنوان عمومی ستون ایشان است که روزهای سه‌شنبه منتشر می‌شود و ارتباطی به محتوای یادداشت دیروز و روح‌الله زم نداشت.

ماسک‌ها را بپاره کنید

این روزها یک هشدار در شبکه‌های اجتماعی ایرانی‌ها به وفور دیده می‌شود: «لطفا ماسک‌های‌تان را پس از استفاده پاره یا سوراخ کنید!». این هشدار بعد از شنیده‌شدن چندین و چند شایعه درباره فروش ماسک‌های مستعمل و دست دوم در بازار شروع شد و با انتشار فیلمی از چند زباله‌گرد که در حال جداکردن ماسک‌های سالم از میان زباله‌ها بودند، رنگ و بوی جدی‌تر به خود گرفت. پیش‌تر چند روایت از شهروندانی در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شد که از قول کودکان زباله‌گرد هشدار می‌دادند ممکن است برخی ماسک‌های

موجود در بازار مستعمل باشد. روایت یکی از این شهروندان چنین بود که از قول کودک زباله‌گردی که اعتماد او را جلب کرده بود، می‌گفت زباله‌گردها ماسک‌های سالم را از میان زباله‌ها جمع‌آوری می‌کنند و در یک فرایند شست‌وشو و اتوکردن آن را دوباره به بازار بازمی‌گردانند. شاید در مرحله اول کسی این دست روایت‌ها را جدی نگرفته بود؛ ولی روز گذشته و با انتشار فیلمی از چند زباله‌گرد که در حال جداکردن ماسک‌های سالم از میان کیسه‌های زباله بودند، این مسئله رنگ و بوی جدی‌تری به خود گرفت و نگرانی‌هایی را هم ایجاد کرد. شدت‌گرفتن کرونا در موج دوم درگیری آن موجب

شد تا تقاضاها برای استفاده از ماسک هم بار دیگر بالا برود. به‌ویژه اینکه از پانزدهم تیر سال جاری هم استفاده از ماسک اجباری شده و همین افزایش تقاضا در کنار اقتصاد بیمار کشور موجب شده تا شاهد چنین اتفاقات ناراحت‌کننده‌ای باشیم. اولین واکنش به انتشار فیلم بازار بازمی‌گرداند. شاید در مرحله اول کسی این دست گذشته کیانوش جهانبور داشت. دکتر کیانوش جهانبور گفت: چگونگی امحای ماسک‌های مصرف‌شده، بسیار مهم است. مردم دقت داشته باشند که ماسک‌های مصرف‌شده می‌توانند به‌نوعی زباله عفونی تلقی شوند؛ بنابراین چگونگی امحای آنها اهمیت ویژه‌ای دارد.

پرنده آبی